روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ • ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ • ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۷۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۴
اذان صبح فردا ۴:۵۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۴
روزنامه شرق

• مدرسه تک کلاس حره‌دان در بخش بازفت استان چهارمحال و بختیاری پنج دانش‌آموز در پایه‌های تحصیلی مختلف دارد. مدیر آموزگار این مدرسه هر روز از عرض رودخانه بازفت عبور می‌کند تا چراغ مدرسه عشایر جنگل‌نشین را در کلاس کوچکشان روشن نگه دارد. عکس: مریم آل‌مؤمن / ایرنا

دیالوگ روز

هاراگیری - ماساکی کوبایاشی -۱۹۶۲
هانشیرو (تاتسویا ناکادای): اون چیزی که امروز برای دیگران اتفاق می‌افته، ممکنه سرنوشت فردای تو باشه!

حقوق‌خوانی

مسئولیت‌های قاضی در عدم تبدیل قرار بازداشت موقت

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

از صدور قرار بازداشت موقت برای نیلوفر حامدی و الهه محمدی خبرنگاران روزنامه‌های «شرق» و «هم‌میهن» بیش از یک سال می‌گذرد، اما همچنان پرونده آنان منتهی به صدور رأی نشده است. با توجه به اتهامات مطرح‌شده، ادامه قرار بازداشت موقت پس از یک سال خلاف قانون بوده که در ادامه به شرح موضوع و پیامدهای ادامه بازداشت می‌پردازیم. در پرونده‌های کیفری پس از احضار متهم و تفهیم اتهام به او، بازپرس موظف است برای او قرار تأمین صادر کند. ماده ۲۱۷ قانون «آیین دادرسی کیفری» (مصوب ۱۳۹۲) موضوع را این‌گونه تعریف کرده است: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند...» و در ادامه ۱۰ قرار را به ترتیب از خفیف به شدید فهرست می‌کند که از التزام به حضور با قول شرف و التزام به حضور با تعیین وجه التزام شروع و با قرار بازداشت موقت به پایان می‌رسد. در آیین دادرسی کیفری بر تناسب قرار صادره با شخصیت مجرم، اهمیت جرم و میزان مجازات تأکید شده است. در ماده ۲۵۰ همین قانون می‌خوانیم: «قرار تأمین و نظارت قضائی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی‌شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد». در جایی که برای متهم قرار بازداشت موقت صادر می‌شود نیز برای آن سقف در نظر گرفته شده است؛ در انتهای ماده ۲۴۲ قانون «آیین دادرسی کیفری» آمده: «... به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند». نتیجه اینکه اگر مجازات جرم مورد اتهام سالب حیات (اعدام، قصاص، رجم و نظایر آن) نباشد، ادامه بازداشت متهم بیش از یک سال غیرقانونی خواهد بود. در این صورت، مقام قضائی که قرار بازداشت موقت را به قرار سبک‌تری (مانند وثیقه) تبدیل نکند، از زاویه انتظامی، مدنی و کیفری مسئول و قابل تعقیب است.

نخست، مسئولیت انتظامی: بر اساس قانون «نظارت بر رفتار قضات» (مصوب ۱۳۹۰) رسیدگی به تخلفات قضات در دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات صورت می‌گیرد. در مواد ۱۴ تا ۱۷ این تخلفات قضات فهرست شده است. در بند «۵» ماده ۱۶ این قانون، «استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی» به عنوان تخلف تلقی شده که عدم تبدیل قرار بازداشت موقت پس از گذشت مهلت‌های تعیین‌شده، می‌تواند مصداق امتناع از وظایف قانونی محسوب شود. در صورت اثبات این تخلف، می‌تواند برای قاضی مجازات انتظامی درجه شش تا ۱۰ یعنی از حداقل «تنزل یک پایه قضائی» تا حداکثر «خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل ۲۵ سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۵ سال سابقه» را در پی داشته باشد.

دوم، مسئولیت مدنی: ماده ۱ قانون «مسئولیت مدنی» (مصوب ۱۳۳۹) بیان می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». بی‌تردید عدم تبدیل قرار بازداشت موقت به قرار سبک‌تر، مصداق لطمه به آزادی افراد است. جبران خسارات وارده در اثر اشتباهات قضائی از چنان اهمیتی برخوردار است که در قانون اساسی، یک اصل به این مهم اختصاص دارد؛ به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی، هرگاه در اثر اشتباه قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر مقصر ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران شده و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود.

سوم، مسئولیت کیفری: در اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان و حقوق افراد از تعرض مصون دانسته شده است. ضمانت اجرای حقوق مقرر در قانون اساسی، در ماده ۵۷۰ قانون «مجازات اسلامی» (۱۳۹۲) پیش‌بینی شده که به موجب آن هر یک از مقامات حکومتی که برخلاف قانون آزادی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال نیز محکوم خواهد شد. عدم فک قرار بازداشت موقت پس از مهلت‌های قانونی، مصداق محروم‌شدن افراد از آزادی و در نتیجه تحقق جرم موضوع این ماده است.

سینماتراپی مهرجویی

احمد مسجدجامعی

قتل دلخراش استاد داریوش مهرجویی و همسر هنرمندش خانم وحیده محمدی‌فر تراژدی هولناکی برای جامعه ایران به‌ویژه جامعه هنری ایران رقم زد. مهرجویی از وطن می‌گفت و هرچه اندیشید و گفت و نوشت و ساخت و پرداخت برای همین وطن بود و می‌گفت «چرا از ایران می‌روید؛ لااقل بروید در شهرستان‌ها بروید در روستاها».* از «نارنجی‌پوش» می‌گفت که روایت خانه ـ میهنی است که برای ادامه زندگی باید پاکیزه بماند؛ طبیعتش، زمینش و هوایش، بدون غبار و دود و زباله.

از «هامون» و «بانو» می‌گفت که آدمی‌هایی خام و بی‌تجربه‌اند که به وادی یا به تعبیر ایشان، «فرایند تفرد یا فردانیت» پا می‌گذارند و پخته، با آگاهی و شعوری دیگر بیرون می‌آیند. در فیلم «هامون»، در صحنه‌ای، قهرمان داستان اطلس تاریخ ایران را ورق می‌زند؛ کتابی که در دهه ۵۰ ش، زیر نظر جمعی از استادان تاریخ مانند زنده‌یاد زریاب خویی تهیه شده بود. هامون یک‌یک سلسله‌ها را با نقشه تطبیق می‌دهد و به دوره معاصر که می‌رسد، می‌پرسد چرا ایران این‌قدر کوچک شد؟ او از سانسور می‌گفت؛ از اینکه نگذاشتند «بانو» آن‌گونه که بود، دیده شود و به شکستن شاخ و برگش بسنده نکردند و نبالیده، از بیخ، خشکانده شد و بین آدم‌هایش خط کشیدند و سفید و سیاه‌شان کردند و آنها که دست‌شان به دهن‌شان می‌رسید، شدند مستکبر و بقیه مستضعف. به گفته او، آدم‌های فیلم هیچ‌کدام بد نیستند؛ فقط یک نفر بد است... که نیمه‌شب از دیوار خانه بالا می‌آید و همه چیز را بر هم می‌زند. درواقع، آثار مهرجویی با همه طبقات ارتباط برقرار می‌کنند و آدم‌ها از نگاه او، سیاه و سفید نیستند و خاکستری‌اند. از «سنتوری» می‌گفت: «روزی برایش کف زدید و در جشنواره اکرانش کردید و جایزه دادید و روز دیگر از تخت به زیرش کشیدید و وقتی می‌خواست روی پرده بیاید، همان شب از پرده می‌کشید پایین، درست شب پیش از اکران».

او می‌گفت پری گرفتار کتابی سبز می‌شود و از خود می‌گذرد. از فیلم «پری» بگوییم که نماد نزول قهرمان به دوزخ در معنای نقطه‌ای بحرانی از زندگی است؛ زندگی معلق در خانه‌ای در آستانه ویرانی که ای بسا، بیانگر بحران پیش از رستگاری باشد. عقب‌تر رفت و از «گاو» گفت که پیش از انقلاب، موج نوی سینما را به راه انداخت و امثال بیضایی و تقوایی و کیمیایی و فرمان‌آرا را با او همراه کرد و او سخن‌گوی‌شان شد تا جنبشی شکل بگیرد، مقابل سینمای «آب‌گوشتی». همان‌طورکه در موسیقی هم امثال شجریان‌ها و لطفی‌ها سر برآوردند؛ اما انگار زور سینمای آب‌گوشتی بیشتر بود. «گاو» توقیف شد و پس از یک‌سال و اندی، مشکل، پرده‌ای برای اکران داخلی یافت؛ هرچند پیش‌ازآن در جشن هنر شیراز اکران شد. او می‌گفت: سینماهای خوب در اختیار فیلم‌های هالیوودی بود و یکی، دو تا سالن «ته شهر» به ما رسید. به هر حال، فیلم‌سازی ۵۰، ۶۰ساله فیلم‌سازی داریوش مهرجویی با تاریخ ممیزی در سینمای ایران همخوان و همراه است و می‌توان با سرگذشت همین فیلم‌ها سانسور در سینما را پی‌گرفت. او می‌گفت فیلم «گاو» جهانی شده بود؛ اما مدیران سینمایی بر این باور بودند که این فیلم در روستایی عقب‌مانده اتفاق افتاده است و پیشرفت‌های ایران را نشان نمی‌دهد و با سیاه‌وسفیدکردن شخصیت‌ها و غلبه نگاه سیاسی ـ جناحی، بیشترین محدودیت را برای آثار او ایجاد کردند. او می‌گفت: «به هر حال، ما پیش از انقلاب ۵۷، در سینما انقلاب کردیم». فضا، فضای «فیلمفارسی‌ها» بود و فیلم‌های دیگر یا سانسور می‌شدند یا توقیف؛ اما پس از انقلاب، مرحوم امام فیلم «گاو» را پسندید و سینما دیگر مترادف فحشا نبود.

از قهرمان‌های فیلم‌هایش می‌گفت که هیچ‌گاه تنها نیستند و همیشه فکری، آیینی، عشقی و... همراه آنان است که «دچار» آن می‌شوند و حاضرند همه چیز خود را پای آن فدا کنند.

اگر علی حاتمی را سعدی سینمای ایران بدانیم، مهرجویی هم اندیشمند پرده نقره‌ای است که به گفته خودش: «آثارش مانند شعر، تفسیرپذیر است و هرکس برداشت خود را از آن دارد». فرقی نمی‌کند چه بسازد چه به قول خود او، فیلم‌های اخیرش که آثار دوره گسست است و چه فیلم‌های دیگرش که حال و هوای مسائل و معضلات روان‌شناختی و اگزیستانسیالیستی دارد.

وقتی از او پرسیدم زمانی که فیلم «هامون» را می‌ساخت، دغدغه‌هایش مسائل بزرگ بشری بود. چه اتفاقی افتاد که از ادامه این مسیر منصرف شد و به این مسائل جزئی و خرده‌روایت‌ها رسید؟ پاسخ داد: «این مسائل جزئی، خیلی هم بزرگ است، برای چه باید خودم را تکرار کنم و همان حرف‌ها را ردیف کنم؟ من همیشه به دنبال تازگی هستم و از تکرار خود گریزانم».

وقتی به او گفتم فیلم‌سازی است که فارغ از همه چیز، در شرایط دشوار و آسان همواره، فیلم ساخته و در کارنامه هنری‌اش بیش از همه افرادی که در آن سال‌ها، به قول خود او انقلابی در سینما راه انداختند، حضور داشته و این برخوردها مانع کارش نشده و سرانجام راهی برای آنها یافته است، گفت: در شرایط نامناسب، به دنبال پادزهر است و بیشتر می‌اندیشد و می‌نویسد و فیلم می‌سازد و «سینماتراپی» می‌کند تا سم‌ها را از بدنش بیرون آورد.

باری، همچنان که درباره فیلم «پری» گفتیم شاید این مرگ دلخراش آغازی دوباره برای زندگی همه ایرانیان باشد. برای اویی که همیشه، دغدغه درون خانه، بیرون خانه، شهر و وطن را داشت.

*** اشاره‌های این نوشته به گفت‌وگوی من با زنده‌یاد استاد داریوش مهرجویی برمی‌گردد به یک دهه پیش که در روزنامه «شرق» انتشار یافت.**

• عکس: مهدی حسنی

گزارش‌خوانی

ابراز همدردی بیش از ۲۰۰ سینماگر و نخبه افغانستانی

ایران در سوگ قتل داریوش مهرجویی و همسرش است

امروز ساعت ۱۰ مراسم تشییع داریوش مهرجویی کارگردان بزرگ سینمای ایران و همسرش وحیده محمدی‌فر فیلم‌نامه‌نویس از جلوی تالار وحدت برگزار می‌شود. این دو سینماگر در ویلای شخصی خود به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیدند و این اتفاق سبب حیرت و ناراحتی عظیم مردم شد. به احترامشان قرار است امروز فیلمی در سراسر کشور اکران نشود. تهیه‌کنندگان فیلم‌های در حال اکران از تعطیلی سینماها در روز چهارشنبه خبر داده‌اند.

پیام سینماگران افغانستان درباره قتل دردناک

بیش از صد نفر از سینماگران افغانستانی که در گوشه و کنار جهان و کشورشان زندگی می‌کنند، در متنی با خانواده داغ‌دیده سینمای ایران که دچار مصیبت قتل داریوش مهرجویی و همسرش شده‌اند، ابراز همدردی کرده‌اند. ابتدای این پیام بیتی از مولوی آمده است: «گفت کسی خواجه سنایی بمرد/ مرگ چنین خواجه نه کاریست خورد» و در بخش دیگری از این متن آمده است: «هنرمند زبان گویا، روح متلاطم و قلب تپنده جامعه خویش است، مرگ هنرمند؛ نه کاریست خورد. مرگ هنرمند، الحق که به معنای خاموشی صدای مردم، افسردگی روح جمعی و ایستایی قلب یک جامعه است». در بخش دیگری از این نامه آمده است: «کارهای مرحوم مهرجویی همیشه به سینماگران افغانستان انگیزه‌دهنده و الهام‌بخش بوده است. با اینکه نبود هنرمند بزرگی چون آقای مهرجویی را نمی‌توان به هیچ شکلی در جامعه سینماگران جبران کرد، اما باور داریم که آثار و آفریده‌های این هنرمند بزرگ تا سال‌ها مایه الهام و انگیزه برای سینماگران متعهد خواهد بود. ما سینماگران افغانستان در حالی که قتل وحشیانه این دو هنرمند عزیز و بزرگ را فاجعه‌ای برای جامعه سینماگران می‌پنداریم، خود را در اندوه دوستان و خانواده‌های آقای مهرجویی و بانو محمدی‌فر شریک می‌دانیم و امیدواریم که نهادهای عدلی و قضائی جمهوری اسلامی ایران هرچه زودتر عاملان این قتل وحشتناک را شناسایی کرده، به عدالت بسپرند».

ابراز همدردی نخبگان افغانستانی

جمعی از فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران افغانستان به‌مناسبت فاجعه غم‌انگیز قتل داریوش مهرجویی و همسرشان وحیده محمدی‌فر با ایرانیان همدردی کردند. در این پیام آمده است: «ما، جمعی از فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران افغانستان، در کنار قبیح‌شمردن و محکوم‌کردن این حادثه الم‌ناک، با بازماندگان فقید مهرجویی و فقید محمدی‌فر اظهار همدردی و غم‌شریکی می‌کنیم. نخبه‌گان و خورشیدصفتان تمدن خراسانی، متأسفانه هر روز به‌گونه‌ای نابود می‌شوند و غروب می‌کنند. این فرایند، در کنار درد توان‌فرسا برای بازماندگان و جامعه هنری جغرافیای این تمدن، صدمه جبران‌ناپذیری برای فرهنگ و تمدن بشریت نیز شمرده می‌شود. آقای مهرجویی با آثار ماندگار هنری‌اش همیشه در کنار هم‌زبانان و هم‌فرهنگان خویش خواهد پایید، اما درد رفتنش و پس‌لرزه‌های آن، تکانه‌ای است برای هر انسان، به‌ویژه جامعه هنری حوزه تمدنی خراسان. امیدواریم جامعه فرهنگی و هنری ایران، در این ضایعه بزرگ، ما را در کنار خویش پندارد، چنان‌چه در کنارشان خواهیم بود و خواهیم ماند. ما قدردان ملت شریف ایران‌زمین هستیم، ملتی که دهه‌هاست میزبان شهروندان افغانستان، هم‌فرهنگ و هم‌تمدن‌های خویش، هستند. جای مباهات است؛ در چنین وضعیتی که ایرانی‌های عزیز دارند هر روز بیشتر از روز پیش از روزگار متأثر و متألم می‌شوند، اما هم‌تمدنی‌های خویش را قدردارند و حمایت و میزبانی می‌کنند». همچنین در بخش دیگری از این تسلی‌نامه آمده است: «ما از نهادهای مسئول درخواست می‌کنیم تا عامل یا عاملین این جنایت فجیع را شناسایی و به مردم معرفی نمایند، باشد که شک و شبهه‌های به‌میان‌آمده در قبال هویت عامل یا عاملین این جنایت که مایه رنجش خاطر شهروندان ایران و باعث اذیت شهروندان افغانستان در آن دیار شده است را بزداید. باور ما این است که جنایت از سوی هر انسانی، به‌دور از هویتش، جنایت است و غیرقابل قبول. پس هر کس یا کسانی که در پشت این جنایت هولناک هستند، باید به پادافره اعمال‌شان برسند».

تلخ است، تلخ

ابراز غم، حیرت و خشم سینماگران ادامه دارد. نیکی کریمی بازیگر فیلم‌های «پری» و «سارا» نوشته است: «گیج و ماتم. چیزی درونم شکسته که با کلام وصف نمی‌شود و نخواهد شد. سنگی بزرگ روی جسم و روحم افتاده و من آن زیر دست و پا می‌زنم. باید بروم جایی و از ته دل فریاد بزنم، مگر از این خشم و غصه کم شود. می‌شود؟ تلخ است، تلخ، زهر است، زهر».

تاکنون ۱۰ نفر بازداشت شده‌اند

آن‌طورکه ایسنا به نقل از قوه قضائیه گزارش داده است، رئیس کل دادگستری استان البرز گفته است: «در پرونده‌های قتل که قاتل در صحنه جرم دستگیر نشده و ناشناس است، به منظور کشف جرم و شناسایی قاتل یا قاتلین فرضیه‌های مختلفی درخصوص علل و انگیزه‌های قتل مطرح و بررسی می‌شود و به تبع آن اشخاصی که به هر نحوی می‌توانستند انگیزه قتل داشته باشند حسب مورد و مطابق مقررات با دستور مقام قضائی احضار یا بازداشت و از آنها تحقیق می‌شود و به همین جهت در رسیدگی به پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش تاکنون ۱۰ نفر بازداشت شده‌اند که تحقیقات از آنها از سوی بازپرس ویژه و پلیس آگاهی استان البرز در حال انجام است».

خبرخوانی

دور دنیا در یک دقیقه

سحر طلوعی: ما هر روز به چهارگوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

بلژیک: مردی که به هواداران سوئدی فوتبال در بروکسل شلیک کرده و دو نفر را کشته بود، جان خود را از دست داده است. رسانه‌ها می‌گویند پلیس بروکسل به مردی تونسی شلیک کرده و او در بیمارستان تمام کرده است. او پس از کشتن هواداران سوئدی، خود را نیروی داعش معرفی کرده بود. در جریان مسابقه مقدماتی فوتبال یورو میان بلژیک و سوئد در بروکسل، دو هوادار سوئدی کشته شدند. مسابقه نیمه‌تمام ماند. هوادار دیگر هم مجروح در بیمارستان است.

آلمان: وزیر آموزش مالزی اعلام کرده است کشورش از حضور در بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب جهان انصراف می‌دهد. پای حمایت از فلسطین در میان است. مالزی معتقد است مسئولان و برگزارکنندگان این نمایشگاه از هواداران اسرائیل هستند و در این روزها که خشونت در غزه به اوج رسیده است، آنها پشت اسرائیل ایستاده‌اند. مالزی با اکثریت مسلمان از هواداران فلسطین به شمار می‌آید. نخست‌وزیر مالزی به صراحت گفته است زیر فشار غرب حمله حماس به اسرائیل را محکوم نمی‌کند.

اسکاتلند: مسئولان موزه گلاسگو می‌گویند مجسمه متعلق به هنرمند فرانسوی آگوست رودین ناپدید شده است. ارزش امروزی این تندیس سه میلیون پوند است.

اتحادیه اروپا: اتحادیه اروپا تصمیم دارد تا پایان دهه اخیر بخش عمده پلاستیک‌ها و ریزپلاستیک‌ها را کاهش دهد؛ دست‌کم اینکه به هدف کاهش ۷۴ درصدی برسد. گام اول این برنامه ممنوعیت استفاده از اکلیل در لوازم آرایشی و غیرآرایشی بوده است. در قدم دوم این اتحادیه مبارزه با ریزپلاستیک‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. ریزپلاستیک‌ها هرچند در چرخه بازیافت ذوب می‌شوند و دوباره به کارگرفته می‌شوند، اما در این فرایند به محیط زیست آسیب می‌زنند و آلودگی آب و خاک را در پی دارند.